

اعتیاد تهدیدی علیه بشریت

یاسین

اعتیاد چیست؟ آیا اعتیاد یک بیماری است؟ آیا اعتیاد، فقط به جسم شخص معتاد آسیب می‌رساند؟ آیا فقط به معتاد و خانواده‌اش صدمه می‌زند؟ یا این‌که مضرات آن جامعه را هم در بر می‌گیرد؟

اعتیاد یک ناهنجاری اجتماعی و ضد اخلاقی است که سال‌های زیادی جوامع بشری را تهدید می‌کند و در شرایط مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، نه تنها از میزان آن کاسته نشده است، بلکه به رغم مبارزات گسترده علیه آن، روز به روز بر دامنه آن افزوده شده است. پدیده‌ای که علت اصلی آن، شرایط نامساعد اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی است.

اعتیاد اساس جامعه و بنیان خانواده‌ها را تهدید می‌کند و تضمین سلامت فرزندان را زیر سؤال می‌برد. پس باید به عنوان یک معضل مهم اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. سازمان ملل متحد طی یک گزارش جهانی در مورد مصرف مواد مخدر اعلام کرد: ۲۵۰ میلیون نفر در جهان به انواع مواد مخدر معتاد هستند. چهار درصد از افراد بالای پانزده سال در جهان را معتادان به مواد مخدر تشکیل می‌دهند و اعتیاد به مواد مخدر در جهان در حال افزایش است. بر همین اساس، متوسط عمر معتادان نه سال کم‌تر از طول عمر عموم مردم می‌باشد.^(۱)

براساس نتایج یک پژوهش، سن ۴۴ درصد معتادان ۲۴ سال است. بدین ترتیب، جامعه ایرانی با بیش از دو میلیون معتاد زیر ۲۴ سال مواجه است.^(۲)

این آمار و ارقام نشان می‌دهد که بیش از همه قشر جوان و نوجوان در معرض این خطر جدی و خانمان‌سوز قرار دارند. پس باید ریشه‌های اصلی روی آوری این قشر به سوی اعتیاد را کشف کرد و در پی رفع آن برآمد.

خانواده به عنوان مهم‌ترین رکن و کوچک‌ترین نهاد، بیش‌ترین سهم را در تضمین سلامت فرزندان دارد. تحقیقات انجام شده در مورد این معضل اجتماعی؛ بیانگر این مهم است که محیط نامطلوب خانواده در ایجاد اعتیاد مؤثر است. بدیهی است که چگونگی سازمان خانواده و نوع روابط خانوادگی در تشکیل شخصیت کودکان و نوجوانان بی‌تأثیر نیستند. خانواده‌های بی‌ثبات و نامتعادل ندانسته به معتاد شدن فرزند خود کمک کرده‌اند. ازدواج ناهمگون جوانان و در پی آن، فقدان تفاهم اخلاقی زمینه‌ساز روی آوری فرزندان این خانواده‌ها به سوی اعتیاد است. در چنین خانواده‌هایی، که بگو و مگو و دعوای بی‌ثمر آرامش و آسایش فرزندان خانواده را سلب می‌کند، فرزندان به دنبال راه‌گریزی می‌گردند و یا در پی منبعی هستند که آنان را سرشار از آسایش و محبت سازد. جدایی پدر و مادر پس از تحمل مرارت‌های فراوان در خانواده، از دیگر عواملی هستند که می‌تواند بهانه‌ای برای اعتیاد جوانان و نوجوانان باشند. ازدواج نادرست

اغلب منجر به طلاق می‌شود و پس از جدایی، این کودکان محکوم هستند که فقط سایهٔ مادر یا پدر را بر سر داشته باشند و یا حتی گاهی هیچ‌کدام هم نداشته باشند. این کودکان برای جبران کمبود محبت عاطفه در خانواده و حل مشکلات خود، به سوی اعتیاد روی می‌آورند. فقدان

سایهٔ پر لطف و محبت پدر و مادر از یک سو، گرسنگی و بی‌پولی و مشکلات اقتصادی از سوی دیگر، این نوجوانان را وادار می‌کند تا از طریق روی آوردن به سوی کارهای خلاف از جمله اعتیاد نیازهای عاطفی و مالی خود را تأمین سازند.

خانواده‌ای که در آن، روابط منطقی و اصولی بین افراد خانواده وجود ندارد و در آن هیچ‌کس وظایف خاص و مربوط به خود را نمی‌داند و رفتارهای شایسته‌ای از خود نشان نمی‌دهد، می‌تواند سرچشمه‌ای برای معتاد شدن فرزندان این‌گونه خانواده‌ها باشد. خانواده‌هایی که دارای مشکلاتی از قبیل: پدر سالاری، مادرسالاری، فرزند سالاری، محدودیت بیش از حد فرزندان یا آزادی مفرط فرزندان هستند، موجب گریز فرزندان از خانواده و روی آوری آنان به سوی اعتیاد می‌شوند.

خانواده‌هایی که در آن بین افراد خانواده مهر، محبت، الفت و صمیمیت وجود ندارد، می‌توانند زمینه‌های نامطمئن برای فرزندان را فراهم آورند و موجب شود که فرزندان در جایی دیگر و به افرادی دیگر ابراز محبت کنند. گاهی دیده شده که جوانان و نوجوانان به علت تنبیه‌های شدیدی که در دورهٔ کودکی و نوجوانی در مورد آنان انجام شده است و به علت مشکلاتی که با والدین خود داشته‌اند، صرفاً برای گرفتن انتقام و برای فراموشی مشکلات خانوادگی، روحی و تسکین غم به مصرف مواد مخدر روی آورده‌اند!!

فقر نیز یکی از انگیزه‌هایی است که به دو دلیل می‌تواند مسبب اعتیاد باشد: یکی به دلیل فراموشی و تسکین غم‌ها و دردها، که البته کاذب است و دیگری به علت وجود منبع درآمد، به این صورت که چنین افرادی ابتدا در پی مشکلات و کمبودهایی که دارند در خارج از منزل در بند رفقای ناباب اسیر می‌شوند و فریب می‌خورند. سپس معتاد می‌شوند و آن‌گاه برای تأمین مخارج اعتیاد و تهیه مواد مخدر مجبور به کارهای ناشایست دیگر از قبیل دزدی و قاچاق می‌شوند.

نقطهٔ مقابل فقر، رفاه اقتصادی است. گاه همین رفاه اقتصادی خود موجب معتاد شدن افراد مرفه می‌شود. البته، ابتدا به صورت تفریح و سرگرمی شروع به مصرف مواد مخدر می‌کنند، ولی پس از مدتی در دام اعتیاد اسیر می‌شوند و قادر به ترک آن نیستند. وجود انحراف در خانواده، نظیر معتادین، قاچاق، دزدی، فساد و... نیز از دیگر عواملی است که می‌تواند موجب اعتیاد شود. افرادی که در این خانواده‌ها زندگی می‌کنند، در معرض خطر جدی قرار دارند. همچنین زندگی در محله‌های آلوده، کوچه، خیابان که اعتیاد در آن‌ها بیداد می‌کند، دوستان و آشنایان ناباب و منحرف نیز می‌تواند زمینه‌ساز معتاد شدن جوانان را فراهم آورند. تمام مواردی که ذکر شد، در واقع خطرهایی هستند که جوانان ما را وادار می‌کنند تا در جایی دیگر غیر از خانه به دنبال محبت گشته و غرایز عاطفی خود را ارضا کنند.

به راستی اگر کانون گرم و روابط درست و منطقی در هر خانواده برقرار باشد و فرزندان طعم شیرین محبت را در خانه بچشند، آیا باز هم به اعتیاد روی خواهند آورد؟

پی‌نوشت‌ها

۱. روزنامه اطلاعات، ش ۲۲۱۷۵
۲. روزنامه ایران، ش ۱۷۳۳

